

تفسیر تطبیقی آیه ۴۳ سوره نساء

عالم حسین^۱

چکیده

بی تردید آیات تحریم خمر در طی نزول های گوناگونی در تاریخ اتفاق افتاده است اما این ادعا که آیه ۴۳ سوره نساء ناظر به یکی از مراحل تحریم خمر است از پشتوانه علمی برخوردار نیست، زیرا در این آیه نهی از خمر نهی تکلیفی بیان نشده بلکه نهی وضعی بیان شده است یعنی این آیه اصلاً از شراب خوردن نهی نمی کند بلکه در حال مستی نماز خواندن نهی می کند؛ یعنی این آیه یکی از موانع صحت نماز و شرایط نماز صحت نماز را بیان می کند. اما این مطلب به این معنی نیست که شرب خمر علاوه بر نماز حلیت دارد (اگر چه حکم مستی در غیر این حالت سکوت اختیار شده، لیکن قرینه التزامی دال بر این مطلب است) پس این آیه بر حرمت نماز در حال مستی دلالت دارد.

کلمه «سکر» منحصر در مستی به واسطه شراب نیست بلکه هر جریان طبیعی که تعقل و تفکر انسان را توقف می کند و از یاد خدا غافل می کند و نمی داند که در حالت نماز چه می گوید همه در این زمره به شمار می آید، چنانچه در روایات معتبر پیرامون این آیه کراهت کسالت چرت و خواب نیز بیان شده است که نهی از آنها تاکید بیشتری دارد. از طرفی دیگر شأن نزول این آیه که در برخی از تفاسیر مبتنی بر شرب خمر توسط صحابه کبار بیان شده، نیز قابل استناد نیست، بدین وجه این آیه شریفه ناظر به انواع مستی ها و کسالت ها اعم از مستی خمر و کسالت چرت می باشد.

کلید واژه ها: تفسیر تطبیقی، آیه ۴۳ نساء، صلاة در قرآن، سکاری، تحریم خمر

تفسیر تطبیقی آیه ۴۳ سوره نساء



^۱دانش پژوه مقطع دکتری رشته ی تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش عالی اصفهان

مقدمه

یکی از نکات مهم در تفسیر قرآن کریم شناخت جایگاه صحیح و تطبیق دادن نظریه صحیح و تبیین کردن معنای صحیح در بیان آیات متشابه است. گاهی آیه به طوری کلی مطالب خود را بیان می کند و گاهی به طور مجمل مطالب خود را نشان می دهد، اما مفسر با استناد به شواهدهای گوناگونی منظور و مقصود از آن آیه چه مطالبی است با بررسی دقیق بیان می کند، و آنچه در سنجش علمی چندان معتبر نیست، کنار می گذارد. سپس گاهی یک موضوعی خاص می نامد و گاهی به عنوان کلی تطبیق می دهد.

پس این آیه یک پیام کلی نشانگر است که بدین سان مؤمنان باید در زمان عبادت در درگاه خداوند متعال نشاط و اشتیاق و سرزندگی داشته باشند و هر عامل مست کننده و خواب آلوده و کسالت آور دوری گزیننده باشند، بدین سبب در این آیه بررسی پاره ای از ابهام و مطرح نمودن شبهات آن تطبیقی صورت انجام گرفته است. مانند:

- ۱ - صحت و اعتبار شأن نزول در تفاسیر اهل سنت تا حدی معتبر است.
- ۲ - منظور از کلمه «صلاة» در آیه شریفه چیست؟
- ۳ - منظور از «سکر» چیست و این آیه ناظر و نشانگر به کدام نوع مستی است.
- ۴ - سلسله و زنجیره آیات تحریم تدریجی از اعتبار علمی تا چه میزان برخوردار است.

مفردات آیه

کلمه (لا تقرّبوا) که از ماده «قرب یقرب» لازم است و به معنای نزدیک شدن است، لکن «قَرَّبَ يُقَرِّبُ» متعدی است و به معنای نزدیک کردن است. (مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۵۸).

درباره مراد از کلمه (صلاة) در این آیه دو احتمال وجود دارد:

(۱) مراد از «صلاة» نماز است، لذا قائلین این نظریه چند تا دلیل بیان می کنند:

الف: مراد از «صلاة» نماز به قرینه «حتی تعلموا ما تقولون» یعنی با حالت مستی وارد نماز نشوید تا بفهمید که چه می گوئید. (تسنیم، ج ۱۹، ۳۹).

ب: متعلق به نماز اقوال مختلفی و مخصوصی دارد که شراب و بیهوشی مانع از به جای آوردن نماز است، ولی مسجد چنین شرایطی ندارد. (تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۸۶)

ج: ابن عباس و سعید بن جبیر و مجاهد و ابن زید می گویند که در فراز اول این آیه «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى» ای مردم در حال مستی نماز نخوانید همان نماز واجب است. (مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۶۰).

د: در تفسیر اطیب البیان آمده است که کسانی که قایل شده اند که در فراز این آیه «الا عابری سبیل» مراد از صلاة مسجد است زیرا که عبور از مسجد بر جنب جائز است اما مکث در آن حرام است، دلیلش این است که اطلاق صلاة بر مسجد مانعی ندارد، چنانچه در این آیه «و لَوْلَا دَفَعُ اللهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتِ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللهِ كَثِيرًا» (سوره حج، آیه ۴۰) کلمه «صلوات» قبل از کلمه «مساجد» ذکر

شده است. صاحب تفسیر می گوید که این نظریه فاسد است زیرا که اگر مراد از کلمه «صلوات» که قبل از کلمه «مساجد» آمده است، تکرار لازم می آید و این جایز نیست، در حالیکه عطف بر دلیل مغایرت است پس مرادش نفس نماز است. (اطیب البیان، ج ۴، ص ۸۸)

نتیجه: مقتضای تأمل در مدعی ها و دلایل چهار دیدگاه، ترجیح دیدگاه سوم است که منظور از فراز اول آیه نمازهای واجب است. اما دیدگاه سوم چنان که بازگشت به این است که استعمال لفظ در یک معنی دانسته است و می توان بیان علامه طباطبایی به همین منظر دانست.

(۲) مراد از صلاة مسجد است، قائلین این نظریه چند تا دلیل بیان می کنند:

الف: عبد الله و سعید بن مسیب و ضحاک و عکرمه و حسند می گویند: حتی نزدیک جایگاه نماز مثل مساجد نشوید. زیرا که در این آیه شریفه «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، همانا صومعه ها و کلیسا و کنیسه ها و مسجد های که در آن بسیار نام خدا ذکر می شود. (سوره حج، آیه ۴۰، ترجمه انصاریان) کلمه «صلوات» یعنی اماکن نماز و مؤید بر آن جمله «إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» است که عبور در محل است نه عبور در نماز. (مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۶۰)

ب: شافعی و اصحابش قائل هستند که به کار بردن لفظ «قرب» و بعد برای «صلاة» صحیح نیست. (تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۸۶)

ج: مراد از «الا عابری سبیل» گذشتن از درون مساجد است. (حسینی جرجانی، ج ۱، ص ۵۱)

د: مراد از صلاة در آیه مکان صلاة به حذف مضاف است، یعنی «لا تقربوا مواضع الصلاة» یا از قبیل ذکر حال و اراده محل یعنی مساجد است. (همان)

ه: مراد از «صلوات» مسجد است، به خاطر این که خدا می فرماید در حال جنابت نیز نزدیک مسجد نشوید و از آن عبور نکنید، پس در اینجا تعبیر مجاز بکار رفته است چونکه استعمال مجاز مجوز لازم دارد و مجوز آن خود این جمله «حتی تعلموا ما تقولون» است. زیرا اگر این فرموده بود «در حال مستی نزدیک مسجد نشوید» دیگر تعلیل آوردن با این جمله «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» مناسب نبوده است، پس می توان گفت که این جا اراده مسجد مکانی شده است زیرا که معمولا نماز در مسجد خوانده می شود و شخص مجنب در مسجد می توان به صورت عبوری از آن عبور کند لذا طرف اراده صلاة بکار رفته اما اراده مسجد شده است چونکه قرینه در این فراز آیه «وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» موجود است. (تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۵۷۲)

نتیجه: مقتضای تأمل در مدعی ها و دلایل پنج دیدگاه، ترجیح دیدگاه اول و چهارم است که منظور از فراز دوم آیه محل نماز است. اما دیدگاه پنجم چنان که بازگشت به این است که علامه قائل هست که استعمال لفظ در دو معنی جایز نیست (در حالیکه خود در این آیه شریفه یک نوع توجیه بیان کرده است که خود مشمول به ابهام است)، لذا می توان گفت که استعمال لفظ در دو معنی هیچ قباحتی ندارد و می توان از فراز اول آیه «لا تقربوا الصلاة و انتم سكارى» نماز باشد و از فراز دوم آیه «وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» مسجد باشد، لذا استعمال

لفظ در دو معنی جایز است کما یقال آیت الله جعفر سبحانی و آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سید علی خامنه ای و آیت الله معرفت و امام خمینی استعمال لفظ در معنی جایز می دانند.
دوم: کلمه «و لا جنباً» این «و لا» خود مخفف به «و لا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ جُنْبًا» است، گویا: دو لفظ در دو معنی است یعنی استعمال لفظ در دو معنی، لذا در این صورت هیچ مشکلی ایجاد نمی شود.
کلمه (سکر) بروزن ضد هوشیاری و دارای انواعی مانند مستی شراب و مستی مال و مستی سلطنت است. (فراهید، ج ۵، ص ۳۰۹). و ریشه (سکر) بر حیرت و به معنای سحر دلالت دارد و در آیه «قَالُوا إِنَّمَا سَكْرَتُ ابْصَارِنَا بِأَبْلِ نَحْنِ قَوْمٍ مَسْحُورُونَ» باز خواهند گفت: یقیناً ما چشم بندی شده ایم، بلکه گروهی جادو شده هستیم. (سوره حجر، آیه ۱۵).

(السكر) یعنی بند آمدن آب زمانی که آب می ایستد. (ابن فارس، ج ۳، ص ۸۹) یعنی «سکر» حالتی است که در آن میان انسان و عقلش سد ایجاد می شود، یعنی در مستی میان انسان و آب حیات بخش عقل سد ایجاد می شود. اصل در کلمه (سکر) مانع شدن در جریان طبیعی به خاطر به وجود آمدن جریان خلاف است و از مصادیق آن «سکر» حاصل از جریان باد و حرارت به خاطر توقف حرکت هوای طبیعی است، بسته شدن آب و تنفس و همچنین «سکر» حاصل در جریان تعقل و تفکر نیز از همین باب است، مستی از شراب و امثال آن زمیانی است که نظام عقل را مختل می کند. (مصطفوی، ج ۵، ص ۱۶۰).

کلمه (سکاری) جمع (سکران) است و (سکران) صفت مذکر یعنی مرد مست است و مؤنث آن (سکری) است. (مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۵۹).

کلمه (غایط) زمینی که فرو افتاده، یعنی این یک کنایه است از اخراج ذات بطن، یعنی در وقت قضاء حاجت آدمی را از نظر مردم می پوشاند. (دقائق التأویل و حقایق التنزیل).
کلمه (صعید) سطح زمین بدون گیاه و درخت، اما زجاج می گوید که (صعید) سطح زمین است اعم از اینکه خاک باشد یا نباشد، وجه تسمیه این است که اگر از باطن زمین به خارج آن صعود کنیم سطح زمین پایان این صعود است پس سطح زمین «صعید» است.

شأن نزول

اکثر مفسران اهل سنت متعلق شأن نزول این آیه می گویند عبد الرحمان بن عوف طعامی تهیه کرد و ابو بکر و عمر و عثمان و علی و سعد بن ابی وقاص را دعوت نمود سپس همه از آن غذا خوردند و بعداً شراب نوشیدند، و سپس علی فرائض امام جماعت را انجام داد و سوره کافرون را اشتباه خواند، سپس خداوند متعال درباره علی و یارانش این آیه را نازل فرمود. (مقاتل بن سلیمان بلخی، ج ۱، ص ۳۷۴).

طبری دو روایت قریب به همین مضمون بالا گرد آوری کرد یکی از عبد الله بن حبیب و دیگری را به واسطه همین راوی از امام علی «ع» اما این دو روایت باهم اختلاف دارند. (طبری، ج ۵، ص ۶۱). برخی روایات اصل ماجرا بدون اینکه از فرد خاصی نامی را میان آمده باشد نقل شده است (ثعلبی، ج ۳، ص ۳۱۲).

سیوطی با روایات مندر از عکرمه نیز همین شأن نزول را بیان می کند ، اما با این تفات که امام جماعت سوره درست خواند و بعد از اتمام آن آیه ای را بدان افزود. (سیوطی، ج ۲، ص ۱۶۵). و در روایت دیگر ابن منذر از محمد بن کعب القرظی همین ماجرا نقل می کند در حالی امام جماعت را رسول خدا می داند ، و نیز ابن منذر از امام علی (ع) نقل می کند که امام گفت ما سه نفر بودیم که شراب خوردیم و عبد الرحمن بن عوف امام جماعت شد و سوره کافرون را اشتباه خواند. (همان)

بررسی روایات

۱ - زمان شأن نزول و سبب شأن نزول اختلاف وجود دارد و هم چنین تعداد افراد و نام افراد دعوت شونده به شراب و امام جماعت در این ماجرا آشکار نیستند و نقل ها درباره آنها متفاوت است ، و نیز درباره این موضوع که کدام آیه ای سوره کافرون تحریف شده است اختلاف نظر وجود دارد. زیرا که برخی روایات بیانگر تحریف به زیاده در این سوره است ، ترمذی روایت کرده است دعوت کننده عبد الرحمن بن عوف بوده استو امام علی امام جماعت بود. ابو داؤد روایت کرده است که دعوت کننده مردی از انصار بوده و عبد الرحمن بن عوف از جمله دعوت شدگان بوده است.

ابن جریر طبری و سیوطی در تفسیر خودشان گفته اند که امامت جماعت عبد الرحمن بن عوف بوده است ، و هم چنین در تفسیر در المنثور آمده است که این آیه درباره ابوبکر و عمر و علی و عبد الرحمن بن عوف و سعد نازل شده است ولی دعوت کننده علی بوده است.

همان گونه که روایات درباره دعوت کننده و نیز امام و ماموم اختلاف دارند و نیز درباره آیه ای که مورد تحریف قرار گرفته و نیز با روایات متضاد و اختلاف وجود دارد ، مثلاً امام جماعت گفت «اعبد ما تعبدون» و روایت دیگر می گوید که امام جماعت این طوری قرائت کرد «لیس لی دین» (بلاغی، ج ۲، ص ۱۱۶).

۲ - اگر این نظریه درست باشد که گروهی از صحابه شراب نوشیده بودند و امام شان در نماز خود دوچار اشتباهی کرده اند آنها کسانی هستند که به خداوند متعال شرک زدند و بت پرستیدند و شراب نوشیدند و در دوران جاهلیتی که در آن پدیده آمده بودند و پرورش یافته بودند حرام خوردند و امام علی علیه السلام نمی توان جزء از آنها می باشند ، زیرا او در دامن پیامبر اکرم پرورش یافته چون پیامبر اکرم از دوران کودکی تربیت و تهذیب امام علی را بر دوش خود بار گزاری کرده بودند و آن گونه ای تعلیم و تربیت کردند که کردار امام علی به اوج کمال رسید.

ممکن از کسی اشکال کند که این سخن از روی تعصب اعتقادی است و هیچ حقیقتی ندارد ؟ پاسخ به آن این است حکمی که بر واقعیت شخص و پرورش او متکی است از حقیقت و واقعیت الهام می گیرد نه که از عاطفه و عقیده. (همان)

۳ - راویان شأن نزول در این آیه افرادی هستند که چندان اعتمادی به حدیث آنها نیست ، اغلب این روایات از ابی عبد السلامی نقل شده است در حالیکه که او بعد از جنگ صفین از دشمنان امام علی علیه السلام ملحق

گردین و از یاران معاویه پیوست . و راوی دیگر عکرمة است که نسبت به کذب او در زمان حیاتش اوج داشت و شاید یکی از اساتید او ابن عباس بوده است ، چون در روایات به صراحت وارد شده که عکرمة در مقابل این تهمت از خودش دفاع کرده و ابن عباس نیز آن را منکر شده است. (معرفت، ج ۱، ص ۳۲۱)

صلاة در قرآن

کلمه «صلاة» در قرآن سه تا معنی دارد.

الف : صلاة به معنای نماز است. أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ. (سوره بقره، آیه ۴۳).
 ب : صلاة به معنای نماز خانه است. وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَهْدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا. (سوره حج، آیه ۴۰). اینجا «صلوات» به معنای نماز خانه است.
 ج : صلاة به معنای درود است. إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلُّوا تَسْلِيمًا. (سوره احزاب، آیه ۵۶)

مراد از سکر

مفسران در تفاسیر خودشان مراد از سکر معنای چندانی بیان نموده اند.

- ۱ - مراد از سکر مستی است یعنی در حالت میگساری نماز نخوان. (تسنیم، ج ۱۹، ص ۴۱)
- ۲ - مراد از سکر مست خواب و خواب آلوده است یعنی به خواب آلوده و با کسالت وارد نماز نشوید ، زیرا نمی دانید که با خدای منان چه می گوئید ، چنانکه در وصف منافقان فرمود که با کسالت وارد نماز شوند و در نماز هیچ توجهی ندارند «إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى» (سوره، آیه ۱۴۲). آنها ظاهراً نشان می دهند که آنها مشتاقین الی الصلاة هستند در حالیکه آنها در عمق جان شان و در باطن شان کسالی هستند زیرا که آنها منافقین هستند ، لذا اشتیاق آنها نمایشی است.
- ۳ - مراد از سکر حاقن است ، عبیده السلمانی روایت می کند که مراد از سکر حاقن است ، و حاقن کسی است که بول و غائط خود نگه دارد و در همان نماز بخواند. چنانچه حدیثی از پیامبر اکرم نقل شده است آنحضرت می فرمایند که «لَا يُصَلِّينَ أَحَدُكُمْ وَ هُوَ يَدَافِعُ الْأَخْبَثِينَ، در حالت بول و غائط نگه داشتن نماز نخوانید. (مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۴۱۲).

بنابر این دیدگاه فوق بر این سه وجه اگر «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» برداشت شود پس کسی نمی توان در مستی نماز بخواند ، و همین جوری در حالت خواب آلودگی و اضطراب و نیز هم در حالت بول و غائط کسی نمی توان نماز بخواند چون دلیل عام است و شاید روایاتی که سخن از سکر به میان آورده (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱۲) به استناد آن روایات همین عمومیت تعلیل «حتى تعلموا ما تقولون» باشد.

نکته : سکر با نماز التفاتی ندارد یعنی اگر کسی نماز بخواند و نمی داند که با چه کسی سخن می گوید از لحاظ فقهی نمازش صحیح است ، اما از نظر کلامی نمازش باطل است زیرا بر طبق روایات اهل بیت علیهم السلام آن مقدار از نماز قبول است که نماز گزار در نماز حضور قلب داشته باشد. (اسرار الصلاة، ص ۴۲) زیرا نماز معراج و مناجات مؤمن با خداوند متعال است لذا ضروری است او بفهمد که چه و با چه سخن می گوید. (تسنیم، ج ۱۹، ص ۴۱).

جایگاه سکر در آیات تحریم

گروهی از مفسران درباره جایگاه سکر در آیات تحریم می نویسند : خداوند متعال چهار جا در قرآن کریم متعلق به خمر حرف زده است ،

۱ - وَ مِنَ الثَّمَرَاتِ النَّخْلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا..... و از محصولات درختان خرما و انگور {گاهی خلاف خواسته خدا} نوشابه ای مست کننده و {زمانی دیگر} رزقی پاکیزه می گیرید. (سوره نحل، آیه ۶۷)، معاذ بن جبل و جماعتی از صحابه در این باره به پیامبر اکرم مراجعه کردند ، سپس خداوند متعال این آیه را نازل کرد «يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا قُلٌّ فِيهِمَا كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا درباره قمار و شراب از تو می پرسند ، بگو : در آن دو مطلب هم گناهی بزرگ و هم سودهای مردم است، و گناه هر دو از سودشان بیشتر است. (سوره بقره، آیه ۲۱۹). جماعتی دست برداشتند و جماعتی دست برنداشتند تا روزی که عبد الرحمن بن عوف مهمانی کرد و غذایی فراهم نمود و جماعتی را حاضر کرد ، وقتی که ام جماعت را غذا خورد سپس به آنها شراب خورد و این زمانی بوده که شراب هنوز حلال بود، پس خداوند متعال این آیه را نازل فرمود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» ای اهل ایمان در خالی که مستید یه نماز نزدیک نشوید تا زمانی که {مستی شما بر طرف شود و از روی هوشیاری} بدانید {در حال نماز} چه می گویند. (سوره نساء، آیه ۴۳). وقتی که این آیه نازل شد عده ای دیگر دست برداشتند تا روزی که یکی از جمله مسلمانان خمر خورد [چون مست شد] کشتگان بدر به یادش آمد بر آنها گریست و اشعار نا مربوطی خواند ، این خبر به پیامبر اکرم رسید و پیامبر اکرم برخواست و آمد و خواست تا او را بزند ، آن فرد عذر خواست و توبه کرد . بار دیگر حمزه مست گردید و شکم شتر امام علی علیه السلام را در حال مستی پاره کرد. بار دیگر ، سعد بن ابی وقاص در حال مستی به شعر خواند و مفاخرت پرداخت، سعد در آن میانه قصیده ای خواند که در آن دشنام به انصار بود. پس مرد انصار برخاست و استخوان برداشت و بر سر سعد زد و سر او شکست ، او از پیامبر اکرم شکایت کرد ، یکی از صحابه گفت «اللَّهُمَّ بَيْنَ لَنَا بَيِّنًا شَافِيًا فِي الْخَمْرِ» خدایا ما را بیان شافی را در باب خمر بیان کن، سپس خداوند متعال در این موقع این آیه را نازل کرد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ. ای اهل ایمان جز این نیست که همه مایعات مست کننده و قمار و بت هایی که {برای پرستش} نصب شده و پاره چوبهایی که به آن تفأل زده می شود ، پلید و از کارهای شیطان ، بنابر این از آنها دوری کنید تا {بر موانع راه سعادت} پیروز شوید. (سوره مائده،

آیه ۹۰). برخی از مفسران این آیه را «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ... بگو پروردگرم فقط کارهای زشت را چه آشکارش باشد و چه پنهانش، (سوره اعراف، آیه ۳۳) در زمره دوم در این آیات به شمار آورده اند. (المیزان، ج ۶، ص ۱۱۷).

بررسی آیات تحریم خمر

۱ - آیه اول : «وَ مِنَ الثَّمَرَاتِ النَّخْلُ.....تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا» مفسرین این آیه شریفه را اولین حلقه سلسله آیات تحریم خمر قرار داده اند، طبق روایت سعید بن یسار از ابی عبد الله {ع} این آیه شریفه را با آیه سوره مائده نسخ گردیده است. (عیاشی، ج ۲، ص ۲۶۳) و هم چنین روایات اهل سنت بر این مطلب دلالت دارد. (طبری، ج ۱۴، ص ۹۲)

بررسی

به لایل زیر این آیه را نمی توان در سلسله آیات تحریم خمر قرار داد.

الف : قرار گرفتن آیه در مجموعه آیات توحیدی : یعنی کسانی که خواسته اند از این آیه استفاده کنند که شراب انگور و خرما حلال است، به خطا رفته اند، زیرا که خداوند متعال فقط کارهای مردم را دارد بیان می کند و استفاده های که آنها از انگور و خرما می کنند را بر می شمارد، و بدیهی است از این بیان استفاده نمی شود که شراب حلال است. و در حقیقت خداوند متعال خبر می دهد که این میوه یعنی انگور و خرما آفریده است تا مردم از آنها استفاده کنند و در این بهربرداری که مردم از این میوه می برند ممکن است حلال باشد و ممکن است حرام باشد. (مجمع البیان، ج ۱۴، ص ۸)

این آیه بیانگر این نیست که مسکرات حلال و مباح است و یا عمل تهیه مسکرات از میوه ها کار خوبی است، بلکه این دلالت بر زشتی این کار دارد، زیرا که شراب گرفتن را در مقابل اتخاذ رزق خوب قرار داده است تا بفهماند شراب رزق حسن نیست. اما اگر این دلالت را قبول نکیم آن را نیز قبول نداریم زیرا اصلاً آیه شریفه در مقابل حرام و حلال نیست بلکه در این مقام است که منافی را که بشر آن روز از این میوه ها می بردند به شمارد و بگوید که همه این انتفاع ها از نعمت های خدا است و از ذکر آن نتیجه توحید را بگیرد چون این آیه شریفه در مکه نازل شده است و خطابش به مشرکین است. (المیزان، ج ۱۲، ص ۲۹۰)

ب : منسوخ نبودن آیه شریفه : این نسخ نشده است، زیرا منظور از شراب در اینجا نوشیدنی حلال است نه که هر نوشیدنی (طبری، ج ۱۴، ص ۹۳) و متلزم نیست که ما به نسخ این آیه شویم. زیرا خداوند متعال در مقام بیان منافع اشیاء بوده و محاطبش مشرکان بوده اند. و از طرفی با مقابل قرار دادن شراب و رزق حسن اشاره به حرام بودن آن کرده است. (مفاتیح الغیب، ج ۲۰، ص ۲۳۵) ولی به نظر می رسد که استناد به روایات نسخ صحیح نیست زیرا که روایت عیاشی تنها از طریق سعید بن یسار وارد شده است که توصیفی از او در کتب رجالی وجود ندارد.

۲ - آیه دوم : «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ» خطاب به پیامبر اکرم است که به کفار و مشرکین بفرماید «إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ» و کلمه «إنما» ادات حصر است یعنی محرمات الهی منحصر است به فواحش ، یعنی کارهای زشت و قبیح که در نظر هر عاقلی قبیح و زشتی آن معلوم است و در دو قسم تقسیم می شود.

الف : قبايح ظاهر به - یعنی افعال قبیحه است مانند زنا و فحش و غیبت و ظلم و اذیت و رقص و امثال آنها است که عقل انسان آنها را مذموم می داند.

ب : قبايح باطنیه - یعنی اخلاق رزیه و صفات خبیثه است مانند کبر و عجب و بخل و عناد و حسد و امثال آنها است که مفاد «ما ظهر منها و ما بطن» است. و اینها را به قبايح عقلیه نیز تعبیر می شود به قاعده «کلما حکم به العقل و حکم به الشرح» شرعاً حرام است و نهی از آن هم شده است. مقصود از «و الْإِثْمَ» معاصی شرعیه است که عقل درک قبح آن را نمی کند و فقط از طریق شرع حرمت آنها ثابت شده است و بعد از ثبوت حرمت شرعیه عقل هم حکم به قبح آنها می کند. (اطیب البیان، ج ۵، ص ۳۱۰).

بررسی

این آیه حکم کلی یعنی همه زشتی ها را بیان می فرماید و دلیلی برای قرار دادن آن در سلسله آیات تحریم آیات وجود ندارد.

۳ - آیه سوم : «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهَا» از نظر برخی روایات اولین آیه ای است که در تحریم شراب نازل شده است. (کافی، ج ۶، ص ۴۰۶). حسن بصری می گوید که این آیه از دو نظر دلالت بر حرمت شرب خمر دارد.

الف : ضرر آن زیادتر از نفع است و اگر ضرر چیزی زیاتر از نفع آن شد عقل بر حرمت و ممنوعیت آن حکم می نماید.

ب : شراب در گناه است و در آیه دیگری «إِثْمٌ» را حرام نموده است و می فرماید «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ..... إِثْمٌ». (التبیان، ج ۲، ص ۲۱۳).

۴ - آیه چهارم : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» این آیه سکاری ، نماز خواندن بعد از نوشیدن شراب و در حال مستی بودن را نهی می کند ، پس معلوم می شد که این آیه قبل از آیه بقره نازل گردیده است ، مگر این که بگوییم نهی از نماز در حال مستی ، کنایه از نماز خواندن در حال کسالت است و چرت زدن باشد. (المیزان، ج ۴، ص ۳۵۹).

ترتیب صحیح در زنجیره آیات تحریم

صاحب تفسیر نور الثقلین می گویند : بعضی اصحاب ما بیان نموده اند که اولین آیه در تحریم شراب «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ» (بقره، آیه ۲۱۹) است. و دومین آیه در تحریم خمر «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ

الْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» (مائده، آیه ۹۰). است و سومین آیه در مورد تحریم شراب که شدیدتر از آن آیه است «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنِ الذِّكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده، آیه ۹۱). خداوند متعال در این آیه علت تحریم شراب را بیان کرده و دستور اجتناب از آن داده است. (نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸)

مراحل تحریم خمر بر اساس تفسیر تسنیم

همان گونه که از کیفیت تعبیر آیات مربوط به حرمت خمر استنباط می شود و در تفسیر المیزان آمده است آیات مربوط به خمر در پنج بخش به ترتیب نازل شده اند:

۱ - ابتدا آیه ای از قرآن با لحنی ملایم و تعبیری نرم از فواید انگور و خرما سخن می گوید که شما می توانید از آن ها رزق حلال تهیه کنید؛ ولی زمینه تحریم را نیز گوشزد می کند: *وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا*. (سوره نحل، آیه ۶۷).

۲ - به صورت اصل کلی در سوره ای مکی چنین فرمود: هر چه مصداق گناه است، خدا آن را حرام کرده است؛ چه ظاهر باشد و چه نهان: *قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ*. (سوره اعراف، آیه ۳۳).

در این آیه اثم صریحاً تحریم شده و شرب خمر قطعاً اثم است، گرچه مصداق بودن آن برای اثم به صراحت نیامده است و این شاید نوعی تسهیل در حق مکلفان باشد.

۳ - از «صلاة» در حالت مستی نهی می کند: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ*. (سوره نساء، آیه ۳۴) این آیه کریمه بعد از دو آیه گذشته نازل شده است.

۴ - میگزاری را گناهی بزرگ می داند: *يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا*. (سوره بقره، آیه ۲۱۹). ولی از تعبیر مزبور تحریم تندی محسوس نیست، زیرا با آنکه استعمال شراب را گناه بزرگ می خوانند، به منافع آن هم اشاره می کند.

۵ - به صورت صریح آن را پلید و از عمل شیطان معرفی می کند: *(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ*. (سوره مائده، آیه ۹۰)؛ (ر.ک: المیزان، ج ۴، ص ۳۸۲).

بر این اساس، می توان گفت که در سوره «اعراف» که مکی است، حرمت اثم را بیان می کند که کبرای قیاس می شود و در سوره «بقره» که مدنی است خمر را اثم می خواند که صغرای قیاس است؛ نتیجه اینکه میگزاری حرام است، پس می توان گفت حرمت خمر به اجمال در مکه بیان شده، گرچه به آن تصریح نشد دره است. (تفسیر تسنیم، ج ۱۹، ص ۵۲ تا ۵۴).

بررسی شبهات پیرامون آیه

چند تا شبهه پیرامون این آیه وجود دارد که مندرجه ذیل است

۱. اولین شبهه این است که چگونه ممکن است که فرد مست نهی کرد، با اینکه او در حالت مستی، عقل ندارد ؟

پاسخ : الف : گاهی شخص مست است و لی عقل خود را کاملاً از دست نداده و می توان او را امر و نهی کرد.

ب : منظور این است که اشخاص در وقت نماز، خود را در معرض مستی قرار ندهند. (التبیین، ج ۳، ص ۲۰۶).

۲. دومین شبهه این است که این آیه دلالت بر جواز شراب می کند زیرا توسط آیات دیگر نسخ شده است؟

پاسخ : الف : این آیه هیچ دلالتی بر جواز شراب ندارد بلکه منع نماز در حال مستی است.

ب : حرمت شرب خمر در تمام شرایط ادیان بوده است و چیزی نیست که در زمانی حلال بود و سپس حرام

گردیده و سکر خود یکی از احداث است. (اطیب البیان، ج ۴، ص ۸۸).

۳. سومین شبهه این است که منظور از مستی در این آیه یک نوع مستی خفیفی است که غفلت به بار نیاورد،

غفلتی که نتواند کوچک ترین توجهی به نماز داشته باشد، زیرا در این صورت تکلیفی متوجه او نیست تا خدا او را

مورد تکلیف قرار دهد و از خواندن نماز در آن حالت منع و نهی کند، پس منظور از مستی در این آیه یک نوع

مستی خفیف و جزئی است که مانع از توجه به تکلیف نباشد لذا این آیه چنین شخصی را از نماز خواندن در آن

حالت سکر و مستی خفیف و جزئی منع می کند. در حالیکه اتفاق فقها است که چنین شخصی مکلف به خواندن

نماز است نه که ممنوع از آن، بنابر این حکم این آیه با آیه وضو گردیده است که شرط نماز را تنها وضو

معرفی می کند نه که عدم مستی.

پاسخ : این تصور بسیار بی اساس است زیرا که خود آیه مستی را با جمله «حتی تعلموا ما تقولون» بیان می کند

که منظور از آن همان مرحله از مستی است که شخص با داشتن آن، درک و شعور خود را از دست می دهد.

تکلیفی که در آیه به افراد مست متوجه است با فقدان عقل و شعور منافات ندارد، زیرا که انجام دادن نماز در

چنین حالتی مقنن نیست ولی فقدان این شعور چون با اختیار خود مکلف حاصل شده بدین جهت نهی و توجه

دادن به تکلیف در این حال اشکالی ندارد، زیرا که هر علمی که با اختیار خود انسان غیر قابل عمل باشد از نظر

عقل با صحت تکلیف و عقاب منافاتی ندارد.

بنابر این هیچ گونه اشکالی و مانعی نیست که چنین شخصی از چنان نمازی نهی شود و تکلیف به او متوجه

شود و امثال این گونه تکلیف ها در شرع اسلام فراوان است و منظور از آن بطلان نماز در حال مستی است.

(بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ج ۲، ص ۵۷۷).

حکمت حکم در این آیه

در این جمله «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» حکمت حکم است حکمت غایت و تحدید نیست، پس معنای آیه این

طوری می شود که با حالت مستی وارد نماز نشوید تا بفهمید که چه می گوئید مثل این آیه شریفه «و اعبد ربک

حتى یأتیک الیقین. (سوره حجر، آیه ۹۹). یعنی عبادت کنید تا به مرحله یقین برسید، لذا اینجا بیان حکمت

عبادت است نه که بیان غایت و تحدید. تا اینکه کسی توهم نکند که عبادت فقط تا رسیدن به مقام یقین واجب

است و پس از آن دیگر واجب نیست. همین مطلب در حدیث نیز بیان شده است که «صوموا تصحوا» (بخار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۷). یعنی روزه بگیر تا سالم بمانید، نه اینکه اگر سالم شدید دیگر روزه لازم نیست. اگر این آیه را به همین معنی یعنی در معنای غایت و تحدید بگیریم معنای این جوری می شود: تا حالت مستی باقی است وارد نماز نشوید و زمانی که حالت مستی از بین رفت نماز صحیح است. بلکه این آیه کلمه «حتی» برای بیان حکمت حکم است یعنی با حالت مستی وارد نماز نشوید تا اینکه بفهمید چه می گوئید. (تسنیم، ۱۹، ص ۴۳).



نتیجه :

یکی از آیات مهمی که نماز خواندن در حالت مستی را ممنوع قرار می دهد و نهی وضعی را بیان می کند؛ همین آیه است ، و کلمه سکاری ناظر به اعم از شرب خمر و مستی خمر و کسالت چرت و خواب آلوده است که روایات معصومین علیهم السلام شاهد بر آن است. و تهمت های که در شأن نزول این آیه نسبت داده شده حقیقتی ندارد ، زیرا از جانشین صاحب خلق غظیم بسیار بعید است و عصمت داشتن آنحضرت نیز منافات دارد. و اینکه بعضی از مفسران قرآن این آیه را در زنجیره تحریم خمر قرار داده اند ، نوعی از تکلف بوده است و گرنه هیچ دلیل توجیهی برای آن وجود ندارد.



منابع

قرآن کریم، ترجمه انصاریان.

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲. جوادی آملی، عبد الله، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۳. رازی، فخر الدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
۴. طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی التفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۵. حسینی جرجانی، سید امیر ابو الفتوح، آیات الأحکام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.
۶. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
۷. فراهیدی، خلیل ابن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹.
۸. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۰. حسنی واعظ، محمود بن محمد، دقائق التأویل وحقائق التنزیل، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۱.
۱۱. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسی مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعارف، ۱۴۱۲.
۱۳. ثعلبی نیشابوری، احمد ابن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. سیوطی، عبد الرحمن، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، قم، کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۱۵. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰.
۱۶. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، قم، التمهید، ۱۳۷۹.
۱۷. مبینی، احمد بن محمد، کشف الاسرار، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰.
۱۹. فاضل لنکرانی، محمد جواد، اسرار الصلاة، قم، مرکز فقهی الأئمة الأطهار، ۱۳۹۳.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار المکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷.
۲۱. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. خوبی، سید ابو القاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، خوی، انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۵.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دار المکتب الإسلامیة، ۱۳۷۹.

دو فصلنامه تخصصی نور المصطفیٰ_ شماره ۱۷- پاییز و زمستان ۱۴۰۲



دو فصلنامه تخصصی نور المصطفیٰ_ شماره ۱۷- پاییز و زمستان ۱۴۰۲

